



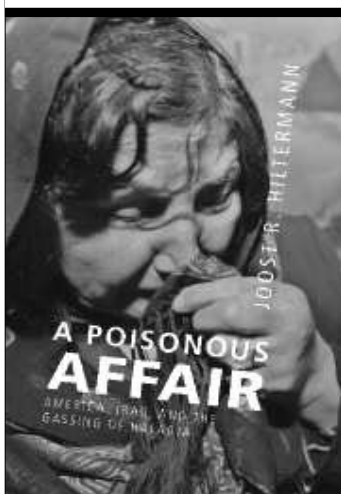
رابطه مسموم؛ روابط آمریکا - عراق

و

بمباران شیمیایی حلبچه

Joost R Hiltermann. A Poisonous Affair: America, Iraq, and the Gassing of Halabja, Cambridge University Press, 2007, pp.346 .

حیدرعلی بلوچی*



جنایت، مراجع قضایی متعددی در دنیا، از جمله دادگاه شهر لاهه از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷ برای محاکمه فرانس فان آنرات، تاجر هلندی فروشنده عوامل شیمیایی به صدام، به این موضوع رسیدگی کرده و نامبرده را به ۱۷ سال زندان محکوم کرده است. این دادگاه پرونده

آنرات را صرفاً از جنبه کیفری بررسی و حکم خود را صادر کرده است و گشودن پرونده حقوقی جرم ارتكابی توسط آنرات موضوع دیگری است که امکان آن پس از بستن پرونده کیفری جاری امکانپذیر خواهد بود. در واقع، علی‌رغم این که سیستم‌های قضایی جهان به مرور زمان برای ختم پیگرد بعضی از جرائم به رسمیت شناخته‌اند، عمق جنایات ضد بشری صدام در رابطه با حملات شیمیایی علیه ایران و حتی اتباع خود باعث شده که دادستان دادگاه لاهه این امر را در رابطه با پرونده آنرات وارد ندانند.

علاوه بر این، پس از گذشت بیست سال از این جنایت، در کنار یادبودهای مستمر و مکرر قربانیان این

مقدمه

در حالی که بسیاری از شهرهای معروف دنیا شهرت و جذابیت بین‌المللی خود را مدیون جاذبه‌های توریستی از قبیل دیدنی‌های طبیعی و اماکن تاریخی هستند، شهرت جهانی حلبچه با یک تراژدی تمام‌عیار گره خورده است. در اثر این حمله حدود پنج هزار از شهروندان بی‌دفاع این شهر کشته شدند و بقیه از خانه و کاشانه خود فراری شدند. در واقع، تا قبل از مارس ۱۹۸۸ اسم حلبچه حتی برای مردم کشورهای همسایه نیز نامی ناآشنا به شمار می‌رفت. با وجود این، در این تاریخ با بمباران شیمیایی این شهر به دستور و توسط نیروهای تحت حاکمیت صدام، رئیس‌جمهور معدوم عراق، اخبار مربوط به قتل عام مردم این شهر با استفاده از عوامل اعصاب، به سرعت به صدر اخبار و تجزیه و تحلیل‌های جنگ عراق علیه ایران راه یافت.

با ارتكاب این جنایت علیه بشریت، که لکه ننگ دیگری در ادامه رفتار و اعمال غیرانسانی صدام در طول جنگ با ایران بود، جامعه بین‌المللی مجبور به عکس‌العمل شد و سازمان ملل طی قطعنامه شماره در تاریخ رای به محکومیت کاربرد سلاح‌های شیمیایی داد.

واکنش‌های جهانی در قبال این فاجعه ضدبشری منحصر به قطعنامه‌های سازمان‌های بین‌المللی نبود، بلکه با وجود گذشت نزدیک به بیست سال از این

*دکترای روابط بین‌الملل از دانشگاه تهران و کارشناس ارشد وزارت امور خارجه

بین‌المللی^۱ است و برای پوشش اخبار و تحولات منطقه در کشور اردن اقامت دارد، قبلاً، به عنوان مدیر بخش نظارت بر تسلیحات در سازمان دیده بان حقوق بشر، گزارش مفصلی از قتل عام کردهای حلبچه با استفاده از گازهای شیمیایی برای این سازمان تهیه کرده بود. وی در سال ۲۰۰۷ نتیجه مطالعات و یافته‌های خود در این زمینه را در قالب یک کتاب جدید منتشر کرده است. او برای تهیه این کتاب ضمن مسافرت به کشورهای مختلف منطقه و از جمله به ایران و عراق، جهت بازدید از مناطق شیمیایی شده و مصاحبه با قربانیان و شهود حملات شیمیایی عراق، دست به یک مطالعه میدانی زده است. نامبرده دارای آثار دیگری نیز در ارتباط با منطقه خاورمیانه است.^۲

ذیلاً ضمن نگاه اجمالی به محتوای این کتاب و ارزیابی آن، بازتاب انتشار آن را در بین محافل علمی و خبری مختلف مورد بررسی قرار می‌دهیم.

خلاصه محتوایی

هر چند، بمباران حلبچه جلوه‌ای از یکی از خشن‌ترین جنایات صدام حسین به شمار می‌رود، موضوع بمباران شیمیایی حلبچه چندان مورد بحث و مذاقه علمی قرار نگرفته است. در این زمینه، به خصوص، اذعان ضمنی دستگاه حکومتی صدام نسبت به حملات شیمیایی علیه نیروهای ایرانی و حتی اتباع کرد خود به دلایل مختلف، از جمله عدم اقتضای دامن زدن به این موضوع بر اساس سیاست ایالات متحده آمریکا، مورد توجه جدی قرار نگرفته بوده است. به عبارت دیگر، تنها زمانی که سیاست‌های کشور اخیر ایجاب کرد، مسئولیت ارتکاب این حملات از سوی صدام و نیروهای تحت رهبری او مورد تأیید قرار گرفت. البته صدام در دادگاه محاکمه وی پس از دستگیری او به دست نیروهای آمریکایی، مسئولیت کاربرد سلاح‌های شیمیایی علیه ایرانی‌ها را پذیرفته و از این عمل ددمنشانه خود به عنوان یک افتخار یاد کرد.

در حالی که پس از این موضع‌گیری صدام، بسیاری از معماها حل شده به نظر می‌رسد، هنوز

حمله در گوشه و کنار جهان، تجزیه و تحلیل آن از ابعاد مختلف سیاسی، حقوقی، نظامی و اجتماعی و نیز شفاف‌سازی کم و کیف حمله و از جمله طرف واقعی بمباران‌کننده، همچنان یکی از موضوعات مورد توجه حقوقدانان بین‌المللی و تحلیل‌گران جنگ است. در واقع، در زمان وقوع بمباران شیمیایی حلبچه، دولت بعثی عراق و حامیان بین‌المللی آن انگشت اتهام را به سوی جمهوری اسلامی ایران نشانه گرفتند، با وجود این، مدت‌ها پس از این حمله و زمانی که اشغال‌کویت به رویارویی عراق و آمریکا منتهی شد، سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا، سیاه‌پرده از ارتکاب این جنایت شوم توسط

دولت وقت عراق برداشت. این موضوع توسط برخی کارشناسان بین‌المللی دیگر، از جمله شهادت ولتر بیکن، بازرس تسلیحاتی سابق سازمان ملل و عضو سابق آنسکام، در جریان محاکمه فان آنرات در دادگاه لاهه مورد تأیید قرار گرفته است.

یکی از آخرین

تحلیل‌های ارائه شده در این زمینه کتاب رابطه مسموم: روابط آمریکا - عراق و بمباران شیمیایی حلبچه نوشته آقای یوست هیلترمن، یک محقق هلندی است که او هم به دنبال تحقیقات چند ساله به استناد شهود عینی و یافته‌های خود ضمن این که جمهوری اسلامی ایران را از ایفای هرگونه نقشی در بمباران شیمیایی حلبچه مبرا می‌داند، نقش عراق را نیز در این فاجعه به طور برجسته نشان می‌دهد.

آقای یوست هیلترمن که در حال حاضر مدیر پروژه خاورمیانه در گروه مطالعاتی بحران‌های

هیلترمن با نشان دادن نحوه دستیابی عراق به سلاح‌های شیمیایی و استفاده از آنها علیه ایران، اعدام سریع صدام را مانعی برای افشای بسیاری از حقایق درباره حلبچه می‌داند

1. The International Crisis Group

2. Behind the Intifada: Labor and Women's Movements in the Occupied Territories (1991)

آمریکا از صدام را به ترس ایالات متحده آمریکا از نفوذ انقلاب اسلامی ایران در منطقه می‌داند. بدیهی است که جنگ و کاربرد سلاح شیمیایی علیه ایران از دیدگاه صدام و آمریکا می‌توانست بازدارنده باشد.

در این کتاب هیلترمن با نشان دادن نحوه دستیابی عراق به سلاح‌های شیمیایی و استفاده از آنها علیه ایران، از اعدام سریع صدام و صدور حکم اعدام برای علی شیمیایی، که هر دو قبل از گشودن پرونده حلبچه رهسپار دیار عدم می‌شوند، اظهار تأسف می‌کند و این اعدام‌ها را مانعی برای افشای بسیاری از حقایق درباره حلبچه و از جمله سرپوش گذاشتن به نقش دولت ریگان در این عملیات می‌داند.

ترجمه و انتشار این کتاب به زبان فارسی گام موثری برای آگاه‌سازی افکار عمومی نسبت به عمق و ابعاد مختلف فاجعه حلبچه به عنوان یک مطالعه موردی خواهد بود

هیلترمن با انجام یک تحقیق میدانی، دلایل و ادعاهای خود را بر اسناد و مدارک بسیاری، اعم از اسنادی که بعد از جنگ اول عراق با آمریکا در جریان آزادسازی کویت در سال ۱۹۹۱ و یا در مصاحبه با بسیاری از نظامیان و مسئولین و حتی مردم عادی از میان کردها، عراقی‌ها، ایرانی‌ها، امریکایی‌ها و

دیگران بدست آمده، استوار کرده و در کتاب خود به انبوهی از اسناد و مدارک استناد نموده است.

بازتاب و ارزیابی

با وجود این که حدود بیست سال از بمباران شیمیایی حلبچه و پایان جنگ ایران و عراق می‌گذرد، انتشار کتاب هیلترمن، در بین محافل بین‌المللی بازتاب‌های چشمگیری داشته است. در واقع، انتشار این کتاب از سوی محافل مختلف هم مورد استقبال قرار گرفته است. به طوریکه نشریات بین‌المللی معتبری همچون مجله فارن افرز، روزنامه واشنگتن پست و برخی از

مسئولیت‌های مستقیم و غیر مستقیم حامیان بین‌المللی صدام و از جمله ایالات متحده آمریکا در زمان جنگ عراق علیه ایران، راه زیادی برای احقاق حقوق قربانیان این حملات وجود خواهد داشت. اهمیت ادعای این کتاب و یافته‌های آن در وهله اول، زدودن اتهامات واهی علیه جمهوری اسلامی ایران از یک طرف و نشان دادن مسئولیت واقعی دولت وقت عراق و حامیان آن از سوی دیگر است. بدین منظور، نویسنده کتاب پس از یک مقدمه و بیان روند تدوین کتاب، بر خود عملیات بمباران حلبچه و اوضاع و احوال بین‌المللی آن دوران و به خصوص چشم‌پوشی دولت ریگان نسبت به حملات شیمیایی عراق علیه ایران تمرکز می‌نماید و نتیجه می‌گیرد که انفعال جامعه بین‌المللی نسبت به اقدامات مغایر با حقوق بین‌الملل موجب تخریب بیشتر صدام شده و در نهایت او را به کاربرد سلاح‌های شیمیایی حتی علیه شهروندان خود رهنمون شد.

هیلترمن، در بیان بخش عمده جنایت حلبچه و برای نشان دادن نقش دستگاه حکومتی صدام در این جنایت می‌نویسد: علی شیمیایی، پسرعموی صدام که توسط وی به عنوان رئیس پلیس امنیتی عراق منصوب شده بود، به مدت دو سال در این پست مشغول فراهم کردن منویات صدام بود، وقت کافی برای سرکوب کردها در اختیار داشت. وی در مارس ۱۹۸۷ با ارسال پیامی به کردها اعلام کرد که دوران کردها دیگر به سر آمده است. به دنبال این هشدار، از اواخر سال مزبور وی با به عهده گرفتن رهبری عملیات انفال، با "سلاح‌های خاص" این عنوان در دوره حکومت صدام به سلاح‌های شیمیایی اطلاق می‌شد - شورشیان کرد را سرکوب کرد. گفته می‌شود که بین ۷۰ تا ۸۰ هشتاد هزار نفر از مردان کرد در طول این عملیات مفقود شدند و خبری از سرنوشت آنها به دست نیامده است. شکی نیست که حکومت ریگان از تمام آنچه به سر کردها می‌آمد، مطلع بود. هیلترمن دلیل حمایت‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و حتی نظامی با دادن اسلحه و اطلاعات امنیتی و نظامی مربوط به جنگ - دولت

1. Foreign Affairs - Book Review - A Poisonous Affair: America, Iraq, and the Gassing of Halabja - Joost R. Hiltermann.

2. Fawaz A. Gerges, The Washington Post - www.Barnes&Noble.com.

خبیرنگاران^۱ به نقد و بررسی و معرفی کتاب مزبور پرداخته اند.

خود هیلترمن گفته است که این کتاب را تعمداً در خاک آمریکا چاپ و منتشر کرده است تا افکار عمومی این کشور را نسبت به عملکرد واقعی مسئولین وقت حاکم بر آن بیشتر آشنا سازد. با وجود این، بازتاب یافته های کتاب در منطقه خاورمیانه و به خصوص در عراق و نیز در بین جوامع کرد منطقه چشمگیر است. تقریباً، به فاصله اندکی از انتشار کتاب هیلترمن به زبان اصلی، این کتاب به زبان کردی نیز چاپ و منتشر شده است. با وجود این، بقایای طرفداران حزب بعث از انتشار کتاب ناخشنود شده و در اظهار نظرهای اینترنتی، زبان به تخطئه نویسنده گشوده اند.^۲

باتوجه به رویکرد بی طرفانه نویسنده در تجزیه و تحلیل مطالب کتاب و تلاش برای اثبات ادعاها براساس اسناد و مدارک متقن از یک طرف و تبریئه ایران از اتهاماتی که آن موقع نسبت به دست داشتن در وقوع این فاجعه تکرار می شد، از سوی دیگر، اهمیت این کتاب را برای کشور ما نیز روشن می سازد. به خصوص طرح این ادعاها از سوی یک فرد بی طرف اثرگذاری بیشتر خواهد داشت. لذا ترجمه و انتشار این کتاب به زبان فارسی گام موثری برای آگاه سازی افکار عمومی نسبت به عمق و ابعاد مختلف فاجعه حلبچه به عنوان یک مطالعه موردی خواهد بود.

فهرست کتاب

- مقدمه
- مناقشه حلبچه
- عبور از آستانه حمله شیمیایی
- تنظیم روند جنگ
- وقفه در حملات شیمیایی
- جنگ کردستان
- حلبچه
- آثار عملیات حلبچه
- کاربرد سلاح شیمیایی توسط ایران!
- مسیر کویت
- نتیجه گیری

1. An Indispensable Book Scott Peterson's review of A Poisonous Affair America, Iraq, and the ___. www.Amazon.com, December 4, 2007.

2. Responses to "Hiltermann's "A Poisonous Affair"" Published by Arabist August 8th, 2007.